

دوفصلنامه پژوهش‌های مدیریت و فرماندهی نظامی

دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) - دانشگاه امیرالمؤمنین (ع) نرسا

سال هفدهم، شماره ۵۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱: صص ۱۶۸-۱۳۷

تبیین نقش سردار سلیمانی در دفاع از عمق راهبردی و بحران زدایی در غرب آسیا

داریوش رشیدزاده

دکترای برق و مدرس دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) - دانشگاه امیرالمؤمنین (ع) نرسا

امیرحسین اکبری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶

چکیده

یکی از اصلی‌ترین اولویت‌های جمهوری اسلامی از ابتدای شکل‌گیری انقلاب اسلامی، افزایش عمق راهبردی بوده است. عمق راهبردی به گستره نفوذ یک کشور در محیط جغرافیایی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود گفته می‌شود؛ به گونه‌ای که بتواند ضریب امنیت و قدرت خود را افزایش دهد. منطقه غرب آسیا همواره موضع منازعات و درگیری‌ها و کشمکش‌های مختلف بوده است. از یک سو بحران‌های امنیتی متعدد ناشی از اهمیت «ژئوپلتیک منطقه» و «ژئواکونومیک» ناشی از ثروت‌ها و منابع طبیعی فراوان آن وجود دارد و از سوی دیگر «ژئوکالچر» به مثابه مهد ادیان ابراهیمی و وجود سرزمین‌های مقدس، ابعاد پیچیده‌ای را به منطقه داده و باعث توجه قدرت‌های بزرگ فرا منطقه‌ای به این کانون شده است؛ بر همین اساس مساله آن است که حضور نیروهای خارجی در منطقه، تفرقه افکنی دشمنان و وجود ضعف مدیریت در کنترل بحران، شرایط را به گونه‌ای پیچیده نموده که بحران‌های ایجاد شده براحتی قابل حل نیست؛ لذا کشف راهبردهای موثر حل منازعات منطقه‌ای مورد توجه بوده است، چرا که این راهبردها در تحلیل و تدبیر منازعات آینده حائز اهمیت است. شهید سلیمانی با تشکیل جبهه مقاومت با نیروهایی از حزب الله لبنان، و حشدالشعبی عراق، بسیج مردمی سوریه و اتحاد آنها با مدافعان حرم از ایران و تیپ فاطمیون و زینبیون، در مقابل اقدامات تهاجمی استکبار که با استفاده از پیاده نظام خود یعنی نیروهای تکفیری داعش در

^۱ کارشناس ارشد مدیریت امور دفاعی و عضو هیأت علمی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)

منطقه غرب آسیا ناامنی ایجاد کرده بودند، مقاومت و ایستادگی کردند و مانع از گسترش و ظهور بیشتر داعش در منطقه غرب آسیا شده و عمق راهبردی انقلاب اسلامی را ارتقا داده‌اند.

واژگان کلیدی: شهید سلیمانی، عمق راهبردی، انقلاب اسلامی، بحران، غرب آسیا

مقدمه

محیط پیرامون کشورها پیوسته با تهدید و جنگ عجین است و دولت‌ها برای مقابله با آن، ناگزیر از داشتن برنامه منسجم دفاعی هستند. کارآیی دفاع ملی، بلکه مفهوم «اقتدار دفاعی»، مستلزم و نیازمند تنسيق صحيح امور دفاع ملی در پرتو شناخت تهدید، تولید و تجميع قدرت بازدارنده، کنش فعال و واکنش سازنده و قاطع در برابر تهدید است (دهقان، ۱۳۹۳: ۳). دفاع مفهوم روشن و عامی دارد و برای دفع ضرر به کار می‌رود. سیاست دفاعی، همه جانبه و ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و زیست محیطی را شامل می‌شود؛ اما به‌طور خاص اهداف نظامی کشور را ترسیم و نوع مقابله با تهدیدهای دریافتی را تعیین می‌کند. از این رو، سیاست دفاعی با قدرت نظامی عجین شده و با آن هویت شکل می‌گیرد و مقصود از آن، جهت و چگونگی اعمال قدرت نظامی برای دفع تهدیدها و حفاظت از منافع و اهداف کشور است (بابایی، ۱۳۸۶: ۸۵). بی‌شک افزایش این عمق راهبردی منطقه‌ای، استکبار جهانی و بسیاری از دشمنان، بالاخص جریان عبری-غربی-عربی را با نگرانی و چالش‌های متفاوتی روبه‌رو کرده و آنها را مجبور به اقداماتی مقابله‌ای در عرصه منطقه‌ای و حتی داخلی جمهوری اسلامی ساخت که این دست اقدامات نه تنها نتوانست نتیجه‌ای برای این جریان داشته باشد، بلکه زمینه‌ای برای استحکام نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا شد. در این راستا سرادر شهید سپهد حاج قاسم سلیمانی نقش ارزنده و بی‌نظیری را ایفا کرده است.

پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با هدف تبیین نقش سردار

شهید حاج قاسم سلیمانی در دفاع از عمق راهبردی انقلاب اسلامی در حل بحران‌های غرب آسیا از طریق جبهه مقاومت اسلامی تنظیم شده است.

۱-مباحث نظری پژوهش

۱-۱-سردار قاسم سلیمانی

شهید حاج قاسم سلیمانی یکی از برجسته ترین سرداران انقلاب اسلامی بلکه جهان اسلام به شمار می‌آید که نقش بسزایی در تحقق امنیت پایدار جمهوری اسلامی ایران به‌طور خاص و محور مقاومت به‌طور عام داشته است. در خصوص دفع فتنه داعش با فرماندهی مدبرانه سردار سلیمانی، می‌توان گفت که جامعه بین الملل اعم از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی نیز مدیون فداکاری و جانفشانی ایشان هستند. ویژگی‌های شهید سلیمانی صرفاً در بعد امنیتی و نظامی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه شخصیت ایشان چند بعدی و جامع الاطراف است که بررسی آن ابعاد، ویژگی‌هایی را نشان می‌دهد که می‌تواند الگویی برای مردم و مسئولان باشد. به‌طوری که مقام معظم رهبری (مدظله) درباره شهید سلیمانی می‌فرمایند: «شهید سلیمانی، بسیار فراتر از یک فرمانده و ژنرال نظامی و یا دیپلمات سیاسی بود، او دارای ابعاد گوناگون و منحصر به‌فردی بود که او را تبدیل به مهم‌ترین طراح راه حل‌های منازعات منطقه کرده بود ... «این شهید عزیز ما هم دل و جگر داشت به دهان خطر می‌رفت و ابا نداشت؛ هم با تدبیر بود؛ منطق داشت برای کارهایش. این شجاعت و تدبیر توأمان، فقط در میدان نظامی هم نبود، در میدان سیاست هم همین جور بود.» (مقام معظم رهبری، ۹۸/۱۰/۱۸). سردار شهید قاسم سلیمانی نمونه برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی (ره) بود. او همه عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراند. شهادت پاداش تلاش بی‌وقفه او در همه این سالیان بود (مقام معظم رهبری، ۹۸/۱۰/۱۳). شهید سلیمانی چهره بین‌المللی مقاومت است و همه دلبستگان مقاومت خونخواه اویند (بیانات

در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی، ۹۹/۹/۲۶). از طرفی دارای شجاعت و روحیه مقاومت بود؛ او مظهر شجاعت بود، مظهر مقاومت بود؛ این را همه مشاهده می‌کردند و می‌دیدند. از طرفی دارای درایت و تیزهوشی بود، خیلی تیزهوش بود؛ [در این مورد] خیلی نکات هست. این مسأله بروز یک جریان به‌ظاهر مذهبی متمایل به یکی از فرقه‌ها و علیه مقاومت را ایشان مدّت‌ها قبل پیش‌بینی کرد که به من گفت. گفت [طبق] آن چیزی که من دارم می‌بینم در وضع دنیای اسلام-اسم آورد از بعضی از کشورها- یک جریانی دارد به وجود می‌آید؛ بعد از مدّتی داعش به وجود آمد. آدم بادرایتی بود، آدم باهوشی بود. در اداره امور که با کشورها ارتباط داشت و او در آنها دخیل بود، با کمال عقل و درایت رفتار می‌کرد. قهرمان امت اسلامی است؛ چون شهید سلیمانی با حرکات خود و بالاخره با شهادت خود -شهادتش هم مکمل این معنا بود- اسم رمز برانگیختگی و بسیج مقاومت در دنیای اسلام شد.

در واقع ایشان نرم‌افزار مقاومت را و الگوی مبارزه را به ملت‌ها تعلیم کرد، به ملت‌ها سرایت داد، در ملت‌ها رایج کرد؛ اینها خب نقش‌های خیلی مهم و بسیار حسّاسی است؛ لذاست که ایشان به معنای واقعی کلمه، یک شخصیت برجسته و یک چهره قهرمانی اسلامی است. شهید سلیمانی، هم در زمان زنده بودنش استکبار را شکست داد، هم با شهادتش شکست داد؛ اینها ادّعا نیست، اینها چیزهایی است که اثبات شده است. در زمان زنده بودنش استکبار را شکست داد، دلیلش اینکه رئیس‌جمهور آمریکا آمد گفت: ما هفت تریلیون دلار خرج کردیم در عراق و هیچ چیز گیرمان نیامد؛ [حتّی] مجبور شد شب تاریک بیاید یک وقتی در یک پایگاه آمریکایی در عراق بنشیند و برود. این را همه دنیا قبول کردند که آمریکا در عراق و سوریه - به‌خصوص در عراق- به مقاصد خودش نرسیده؛ چرا؟ قهرمان این کار سلیمانی بود. بنابراین در زمان حیات خودش اینها را شکست داد

(بیانات در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی، ۹۹/۹/۲۶).

۲-۱- تعریف دفاع

دفاع در لغت به معنای دفع شر و تعرض کردن (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۲۷: ۵۶) و نیز به معنای دور کردن تهدید و خطر از کسی و یا از خود به گونه‌ای مطلوب است (رستمی نسب، ۱۳۸۹: ۹۹). در تحریرالوسیله حضرت امام خمینی (ره) این واژه در اصطلاح فقه اسلام، تکلیفی است برای پیشگیری از آسیب‌هایی که اساس اسلام را تهدید می‌کند و یا جان و مال و آبروی انسان را هدف قرار می‌دهد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۴۸۵).

امروزه مفهوم دفاع، سابقه‌ای به قدمت دولت‌ها دارد و همواره با آن‌ها قرین بوده است؛ به گونه‌ای که برخی اندیشمندان، فلسفه وجودی و علت پیدایش دولت را، دفاع از کشور بیان نموده‌اند. دفاع نوعی حق ذاتی، مشروع و طبیعی است که از جانب خداوند در موجودات به ودیعه قرار داده شده است تا بتوانند در مقابل تجاوز از خود محافظت کنند و به حیات خود ادامه دهند (قهرمانی‌نژاد شایق، اسفندیاری و بلباسی، ۱۳۹۴: ۲۵۰). به‌طور کلی به مجموعه اقدامات و اعمالی که برای دور نمودن و یا از بین بردن خطر و یا تهدید صورت می‌پذیرد، دفاع گفته می‌شود. به عبارت دیگر، دفاع به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که انسان برای حفظ و حراست از حیات، اعتقادات، سرزمین و... خود در برابر خطراتی که او را تهدید می‌کند، انجام می‌دهد (جعفری، ۱۳۹۸: ۶۷).

۳-۱- تعریف عمق راهبردی

عمق راهبردی به ظرفیت زمینی و مکانی نظامی یک کشور اشاره دارد؛ اعم از اینکه یک کشور دارای وسعت سرزمینی بالا باشد تا در صورت حمله دشمن بتواند از خود دفاع کند و همچنین فرصت درنگ و تفکر نظامی داشته باشد یا ابزارهای نظامی مانند موشک‌های

دوربرد و مکان‌های مناسب برای پرتاب آن به منظور آسیب به دشمن را داشته باشد.

امروزه پیشرفت‌های فناوریانه نظامی مانع از کاربست کامل مفهوم عمق راهبردی به معنای کلاسیک می‌شود. این مفهوم هنوز اعتبار خود را به طور کامل از دست نداده است؛ ولی با توجه به تحولاتی که در عرصه فناوری‌های نظامی و تغییر مؤلفه‌های قدرت رخ داده است، باید تعریفی نو و کامل‌تر از عمق راهبردی ارائه داد که هم مؤلفه‌های مکانی-نظامی عمق راهبردی کلاسیک را دارا باشد و هم مؤلفه‌های جدید قدرت را که ماهیتی نرم دارند، در برگیرد.

عمق راهبردی در تعاریف مرسوم به مجموعه‌ای از وجوه نرم افزاری و سخت افزاری یک ملت و یک کشور و یا سازمان برای دفاع از خود در مقابله با اقدامات کشورهای متخاصم اطلاق می‌گردد. مصادیق عینی این مجموعه، به طور معمول از ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک، مشخصات جغرافیایی و سرزمینی، شاخص‌های انسانی و جمعیتی، مبانی اعتقادی و ارزشی و پیشینه تاریخی-فرهنگی و البته توان و آرایش بالقوه و بالفعل دفاعی-نظامی تشکیل یافته است. در ادبیات نظامی عمق راهبردی گسترده به فاصله بین خط مقدم و یا بخش‌های نبرد رزمندگان با مناطق اصلی در قلب کشور رقیب گفته می‌شود. در این چارچوب هر مقدار که عمق راهبردی و نقطه نفوذ یک کشور در کشورهای دیگر با خط مقدم نبرد و نیروهای خودی فاصله داشته باشد؛ آن کشور دست بالاتری در مواجهات بعدی خواهد داشت. اصطلاح عمق راهبردی که بیشتر درباره کشورهای متخاصم یا رقیب مطرح می‌گردد، بیان کننده این موضوع است که کشورها می‌توانند با بهره‌گیری از قدرت نرم و استفاده از عمق راهبردی با تعاریف مثبت و همگرایانه تعمیق مناسبات، درک متقابل و شناسایی ریشه‌ای‌تر از یکدیگر را در دستور کار قرار دهند. بنابراین، در جهان امروز عمق

راهبردی به معنای میزان نفوذ معنوی تفکرات، اهداف و آرمان‌های یک نظام سیاسی در دیگر نظام‌های سیاسی است (وفایی، ۱۳۹۷: ۲۲).

انتشار کتاب مشهور عمق راهبردی داود احمد اوغلو در سال ۲۰۰۱ میلادی در این زمینه بسیار اثر گذار بود. او در طرحش عمق راهبردی را مبتنی بر عمق جغرافیایی و عمق تاریخی تعریف می‌کند. بدین معنا که اگر کشوری از عمق تاریخی بهره‌مند باشد، از عمق جغرافیایی هم برخوردار است و لذا می‌تواند در مناطق مختلف نقش‌آفرینی کند (داود اوغلو، ۱۳۹۵: ۴۳).

به این ترتیب می‌توان گفت، عمق راهبردی به دامنه نفوذ سیاسی یک کشور در محیط جغرافیایی پیرامون (وابسته و گسسته) خود گفته می‌شود؛ به گونه‌ای که بتواند ضریب امنیت و قدرت آن را در فضای بین‌المللی افزایش دهد. در واقع، هر عاملی که بتواند نقطه اتکای یک کشور در بیرون از مرزهای سرزمینی خودش محسوب شود و بدین‌صورت نقش بازدارندگی در برابر تهدیدهای رقیبان و دشمنان را برای آن ایفا نماید، عامل موثری در جهت عمق راهبردی به‌شمار می‌رود (غفاری، ۱۳۹۳: ۹۴).

۴-۱- ویژگی‌های عمق راهبردی

عمق راهبردی دارای ویژگی‌هایی به شرح زیر است:

اول: این مؤلفه نمونه جدیدی از شاخصه‌های اقتدار و قدرت نرم است. بنابراین ضمن برخورداری از توان بالا، قدرت گسترش بسیاری دارد. از این رو می‌توان این مؤلفه را باعث افزایش قدرت نرم و حوزه نفوذ ایران در جهان دانست؛ چنان که نشانه‌های آن در سایر نقاط جهان و در میان غیرمسلمانان ظاهر شده است. موضوعی که امام خمینی (ره) معمار کبیر انقلاب اسلامی در اوایل انقلاب وعده آن را دادند و فرمودند: «معنی صدور

انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار شوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند نجات دهند» (صحیفه نور، جلد ۱۳: ۱۲۷).

دوم: عمق راهبردی ملت‌محور، ابزارمحور نیست، بلکه تفکرمحور و متأثر از درک و باورهای مردم است؛ بنابراین کم هزینه تر است.

سوم: این حوزه نفوذ متقابل است، همان‌گونه که سایر ملت‌ها عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران هستند، ملت ایران نیز عمق راهبردی آن‌ها به شمار می‌آید، بنابراین در هنگام مشکلات به کمک یکدیگر می‌شتابند.

چهارم: حوزه نفوذ در میان ملت‌ها بر گرفته از اعتقادات و باورهای آن‌هاست. بر این اساس پایه‌دار است، اصالت‌دار و ریشه‌ای است. از قابلیت ماندگاری بالایی نسبت به سایر مؤلفه‌ها برخوردار است، بنابراین تحمیلی نیست و معطوف به انتخاب ملت‌هاست؛ از این رو، از استواری بیشتری برخوردار است و شکننده نخواهد بود.

پنجم: این حوزه نفوذ فارغ از تعارفات و توافقات دیپلماتیک است و بر اساس معاهدات بین‌المللی و یا دوجانبه نیست تا بتوان آن را نادیده گرفت و یا نقض کرد (واعظی، ۱۳۸۷: ۱۸).

۱-۵- بحران در غرب آسیا

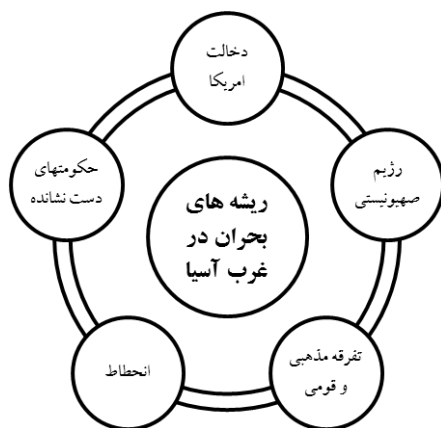
در فرهنگنامه علوم سیاسی در تعریف بحران آمده است: «وضعیت متزلزل و ناپایداری که چارچوب آن، تغییر قطعی بهتر یا بدتر در شرف وقوع است؛ به وجودآمدن شرایط غیرمعمول یا غیرمتعارف در جریان حرکت سیستم یا نظام. لحظه حساس در بحران، لحظه‌ای است که بحران به اوج خود می‌رسد و سرنوشت ساز است (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۳: ۱۵۱). بحران‌ها نمودی از برخورد بین‌المللی عقاید و ارزش‌های عام هستند و از برخورد منافع متعارض مبتنی بر قدرت و افزایش کنش‌های متقابل و افزایش تحریک‌ها یا دروندادها

و برون‌دادهای غیرمنتظره ناشی می‌شوند. منطقه غرب آسیا - یکی از بحران خیزترین مناطق جهان است که همواره دستخوش منازعات، مداخلات و درگیری‌های فراوان بوده است. این منطقه به دلیل موقعیت مساعد استراتژیک، محل مداخله قدرت‌های بزرگ و کانون بحران‌های فراگیر است. مرتبط بودن با آب‌های آزاد، موقعیت استراتژیک و در دسترس خشکی‌ها، شاهراه ترانزیتی و وجود ذخایر زیرزمینی (معدنی و نفتی و . . .)، حضور قدرت‌هایی مانند روسیه و ایران در منطقه، وجود اسرائیل و عربستان و . . .، از جمله عواملی است که نظر قدرت‌های بزرگ را برای دستیابی به منافع ارزان و در دسترس به این منطقه جلب نموده است. از یک سو بحران‌های امنیتی متعدد ناشی از اهمیت ژئوپلیتیک منطقه و ژئواکونومی ناشی از ثروت‌ها و منابع طبیعی فراوان منطقه و ژئوکالچر به‌عنوان مهد ادیان ابراهیمی و وجود سرزمین‌های مقدس ابعاد پیچیده‌ای را به منطقه داده که باعث توجه قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای به این کانون شده است. از سوی دیگر اختلافات قومی و قبیله‌ای، حضور نیروهای خارجی در منطقه، تفرقه افکنی دشمنان و وجود ضعف مدیریت در کنترل بحران، شرایط منطقه‌ای را به‌گونه‌ای بغرنج نموده که بحران‌های ایجاد شده به راحتی قابل حل نیست؛ لذا قاطعانه می‌توان گفت منطقه غرب آسیا بعد از جنگ جهانی دوم همواره محل منازعه در جهان بوده است.

۲-۱- ریشه‌های بحران در غرب آسیا

در ریشه‌یابی شکل‌گیری بحران خاورمیانه، عوامل متعددی را باید در نظر داشت: از اختلافات قومی و قبیله‌ای گرفته تا مشکلات اقتصادی و ضعف مدیریت ناشی از حل مشکلات و بحران‌ها؛ اما آنچه مهم است این است که عامل و مداخله خارجی، اهمیت نخست و عوامل داخلی در جامعه یهود، عرب و عثمانی جنبه فرعی داشته‌اند. به عبارت دیگر ریشه‌های بحران کنونی خاورمیانه را باید در کشمکش قدرت‌های رقیب استعماری و

امپریالیستی اروپا و سپس آمریکا و تضاد میان منافع آنها جستجو کرد (محمدی، ۱۳۷۷). وجود منابع طبیعی در منطقه غرب آسیا و محوریت تمدنی - فرهنگی، باعث اهمیت مضاعف این منطقه گردیده است. از یک سو انبیاء در این منطقه حضور داشته‌اند و از سوی دیگر شهرهای مقدس مسلمانان، مسیحیان و یهودیان نیز در این منطقه واقع است؛ اما از هنگامی که قدرت‌های برتر به دنبال دستیابی به هارتلند به منطقه غرب آسیا توجه ویژه نموده‌اند، این منطقه همواره کانون نزاع و درگیری و کشمکش شده است؛ تا جایی که تقریباً می‌توان گفت بعد از جنگ جهانی دوم و تشکیل رژیم صهیونیستی و سپس ورود آمریکا به منطقه، همواره این منطقه دستخوش درگیری‌ها و بحران‌های مختلف بوده است. لذا به اذعان مولف کتاب «ریشه‌های بحران در منطقه غرب آسیا»، پس از ظهور و بروز صهیونیسم و حمایت آمریکا از اسرائیل از سال ۱۹۴۸، آمریکا نیز اتحاد با صهیونیسم را برای حفظ منافع استراتژیک خود در آینده منطقه غرب آسیا ضروری دید.



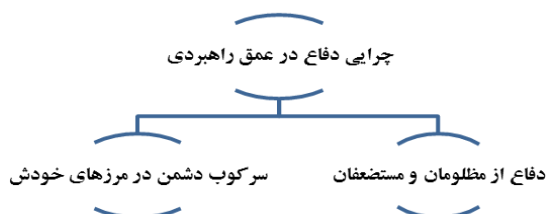
در این بخش از مقاله به بررسی ریشه‌های اصلی بحران غرب آسیا شامل «دخالت امریکا»، «رژیم صهیونیستی»، «تفرقه مذهبی و قومی»، «انحطاط» و «حکومت‌های دست‌نشانده» پرداخته می‌شود:

به‌طور کلی بحران داخلی کشورهای اسلامی در قرن اخیر را می‌توان در شش بعد ملاحظه نمود:

۱. بحران هویت. ۲. بحران مشروعیت ۳. سوء حکومت نخبگان و فشار و سرکوب ۴. تضاد طبقاتی ۵. ضعف نظامی شکست‌های پی در پی نظامی اعراب از اسرائیل ۶. اصلی‌ترین عامل بحران فرهنگ، تأثیر تخریبی نوگرایی در کشورهای اسلامی عرب و سنی که است. ورود مدرنیته و اخذ مظاهر تکنیکی آن توسط مسلمانان، با انگیزه دفاعی و پیروی از غرب در رسیدن به قدرت نظامی و تحول و توسعه اقتصادی، کشمکش وسیعی را میان نوگرایان و سنت‌گرایان به‌وجود آورد؛ چرا که پدیده‌های جدید و مدرن، ارزش‌ها و فرهنگ‌های خاص خود را با خود به همراه می‌آورد. لذا غربی شدن سطحی و ظاهری نخبگان سیاسی و اقتصادی و نیز مصرف‌گرایی بی‌بند و بارانه و رفتار غیر بومی، آنان را از پیروان فقیر و سستی‌شان جدا می‌ساخته و این مساله باعث به‌وجود آمدن شکاف فرهنگی- سیاسی عظیمی در این جوامع شده است. لذا برخورد میان فرهنگ مهاجم غربی و سیستم ارزشی بومی، در اذهان اعراب، نوعی جنون و احساس حقارت در برابر غرب ایجاد کرده است، و این یعنی بحران فرهنگ (نادری، ۱۳۹۳).

۲-۲- چرایی دفاع در عمق راهبردی

به دو دلیل عمده می‌توان دفاع در عمق راهبردی را مورد تحلیل قرار داد:



شکل ۱: چرایی دفاع در عمق راهبردی

۱-۲-۲- دفاع از مظلومان و مستضعفان

اصل اولی و حاکم بر تعالیم اسلام، بر پایه محبت و زندگی مسالمت‌آمیز و برخورد شایسته، همراه با احترام و پرهیز از خشونت است (وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا: بقره، ۸۳)؛ اما با کسانی که بخواهند با سوء استفاده از این دستور، امنیت و آرامش جامعه را از بین ببرند و جامعه اسلامی را مورد تهاجم قرار دهند، دستور مقابله صادر شده است (سوره حج، آیه ۳۹). استاد شهید مطهری می‌گوید: «اسلام دین محبت است، ولی آنجا که محبت کارگر نیست، دیگر سکوت نمی‌کند، آنجاست که خشونت به کار می‌برد، شمشیر به کار می‌برد» (مطهری، آشنایی با قرآن ج ۴، ۱۳۷۴: ۵۹). مطابق با تفسیر آیه ۲۵۱ سوره بقره در تفسیر المیزان، این چنین نبردی، نه تنها منع نشده، بلکه اقدام به آن، خوب و پسندیده است؛ زیرا علاوه بر حفظ حیات و تامین امنیت در جامعه، موجب جلوگیری از فساد و تباهی (سوره بقره، آیه ۲۵۱) خواهد شد (طباطبایی، ج ۲: ۴۴۴).

بنابراین، با توجه به ذات ظلم ستیزی انقلاب اسلامی ایران، جمهوری اسلامی موظف است در هر نقطه جهان که مسلمانان و مستضعفان علیه ظلم و استکبار مبارزه می‌کنند، از آنان حمایت کرده و زمینه را برای تشکیل تمدن بزرگ اسلامی فراهم آورد (رفعتی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۳).

همچنین بند ۱۶ اصل سوم قانون اساسی، "تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان" را یکی از اقدامات لازم برای نیل به اهداف و اصول نظام - که در اصل دوم قانون اساسی بیان شده - می‌داند. اصول ۱۵۲ و ۱۵۴ قانون اساسی نیز موضوع دفاع از مظلومان و مستضعفان جهان - اعم از مسلمان و غیرمسلمان، برپایه دین مبین اسلام - را به صراحت

بیان نموده و آن را از وظایف جمهوری اسلامی ایران برشمرده است.

۲-۲-۲- سرکوب کردن دشمن در مرزهای خودش

اینکه کشوری تنها محدوده به مرزهای جغرافیایی خود در پی دفاع از امنیت ملی باشد، از جهت نظامی در دنیای معاصر یک اشتباه راهبردی است. هر قدر حضور فراسرزمینی نیروهای نظامی کشوری بیشتر باشد، مسلماً امنیت ملی آن نیز بالاتر خواهد رفت.

واکنش جمهوری اسلامی ایران در مقابله با جریان‌های تکفیری در عراق و سوریه را می‌توان در راستای چنین رویکردی ارزیابی کرد. کار اصلی نیروی قدس آن است که به مسلمانان یادآوری کند، آیینی که با کفر و ظلم سازش می‌کند و قُلت عدد را دلیل کافی برای بی‌عملی و گام نهادن در راه مبارزه می‌داند، اسلام نیست. اسلام حقیقی در اصل، بر مبارزه با شرک بنا شده و امروز بزرگ‌ترین شرک، تن دادن به سلطه آمریکا و صهیونیست‌هاست. آنچه امروز آمریکا را در منطقه زمین‌گیر کرده و در حال اخراج همیشگی آن از دیار مسلمین است، ترس از موشک‌های حماس و چریک‌های حزب‌الله نیست؛ بلکه ترس از آن تفکری است که ۳۰ مبارز حزب‌الله را در روستای عیتا الشعب لبنان ۳۳ روز در محاصره کامل چنان با انگیزه نگه‌داشت که این روستا - در چند صد متری مرز لبنان - تا روز آخر جنگ سقوط نکرد (حقیقت خواه، ۱۳۹۲).

۳-۱- شهید سلیمانی و تأثیرگذاری بر جبهه مقاومت

یکی از راه‌های عمق‌بخشی راهبردی در بعد خارجی، حمایت از گروه‌های مردمی همسو است که در راستای مخالفت با قدرت‌های بزرگ به ویژه با دول متخاصم با انقلاب اسلامی ایران هستند. این گروه‌ها هم‌اکنون در حساس‌ترین مناطقی که می‌تواند هر آن موجودیت قدرت‌های متخاصم را مورد تنش قرار دهد، ایجاد گردیده‌اند. از این رو، نظام جمهوری

اسلامی بر اساس قانون اساسی، خط ترسیمی بنیانگذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (مدظله)، از مسلمانان و مستضعفان عالم که امروز در قالب گروه‌های مقاومت تبلور یافته است و با اقتدار، در برابر ظلم و ستم استکبار جهانی ایستاده‌اند، حمایت می‌کند و امکانات و فضای لازم را برای فعالیت آنان فراهم آورده و خواهد آورد. در این راستا، شهید شهید حاج قاسم سلیمانی نقش بی‌نظیری ایفا کرده است. در واقع، شهید سلیمانی از نیروهای متفرق اسلامی، جبهه مقاومت ساخت و با جمع کردن سرمایه‌های کوچک، قدرت و سرمایه بزرگی ساخت که امروز می‌تواند مسیر قدرت اسلام را تضمین کند.

۲-۳- شهید سلیمانی و نگاه فرامنطقه‌ای از عمق راهبردی

استقرار نظام مردم‌سالاری دینی در ایران مبتنی بر اصول و ارزش‌های اسلام‌یاست؛ آن هم در منطقه‌ای که کمتر کشوری تجربه نظام مردم بنیاد را داشته است. همچنین کارآمدی این نظام سیاسی در مورد به‌کارگیری و بسیج مردمی در زمان‌ها و اتفاقات متعددی است، که نشان از مشروعیت و مقبولیت بالای آن دارد، ترویج و بسط گفتمان انقلاب اسلامی، که از شاخصه‌های منحصر به فردی برخوردار است، از طریق حمایت از گروه‌های اسلامی و انقلابی و همه آزادی‌خواهان، ظلم‌ستیزان و عدالت‌طلبان در سراسر جهان، حضور سیاسی و مؤثر در حیات خلوت دشمن و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف همکاری با کشورهای آن حوزه، که اهرم فشاری مناسب برای به چالش کشیدن مؤلفه‌های قدرت کشوری مانند ایالات متحده بوده و هست و نیز استفاده از ظرفیت‌های آزاد شده در ملت‌های منطقه با تأثیرگذاری بر افکار عمومی کشورهای اسلامی و غیر آن، از مهم‌ترین ابزارهای گسترش و عمق‌بخشی به حوزه‌های تأثیرگذاری راهبردی به شمار می‌رود (حقیقت‌خواه، ۱۳۹۲: ۲۳).

بحث عمق راهبردی جمهوری اسلامی بعد از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مهرماه ۱۳۹۸ تقریباً به روز شد. به عبارتی می‌توان گفت که معظم له در این دیدار، راهبردی فرامنطقه‌ای از عمق راهبردی جمهوری اسلامی و حتی محور مقاومت ارائه دادند و تاکید کردند که این مهم نباید در چارچوب منطقه حفظ شود:

«یک عرصه دیگر که بسیار مهم است، نگاه گسترده به جغرافیای مقاومت در منطقه است؛ مجموعه مقاومت در این منطقه توانایی خودش را در مواجهه با استکبار، در مواجهه با آمریکا، در مواجهه با جبهه متحد کفر و ظلم نشان داده؛ شما نقش سپاه را حالا در این مجموعه عظیم مشاهده کنید: از مسائل فلسطین بگیرید تا مسائل دیگر غرب آسیا و بخش‌های مختلف که دیگر حالا ورود در آنها هم کار ما و شأن جلسه کنونی ما نیست. حضور سپاه در این گستره مقاومت، در این جغرافیای مقاومت، به قدری برجسته است که دشمنی‌ها را هم علیه سپاه برانگیخته؛ دشمنی آدم‌های بد را، جبهه بدها را که این خودش یک افتخار بزرگی است؛ [اگر] بدترین‌های عالم با کسی بد باشند، این خودش خیلی افتخار است...»

این نگاه وسیع جغرافیای مقاومت را از دست ندهید؛ این نگاه فرامرزی را از دست ندهید. قناعت نکنیم به منطقه خودمان: ما عَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِی عُقْرِ دَارِهِمِ الْأَذَلُّوا (خطبه ۲۷ نهج البلاغه)؛ این حدیث از معصوم (علیه السلام) است که آن کسانی که در خانه نشستند تا به آنها حمله بشود دچار ذلت شدند. این جواری نباشد که یک چهاردیواری را انتخاب کنیم و دیگر کارمان به این نباشد که پشت این دیوار چه کسی است، چه تهدیدی وجود دارد. این نگاه وسیع فرامرزی، این امتداد عمق راهبردی گاهی اوقات از واجب‌ترین واجبات کشور هم لازم‌تر است که مورد توجه قرار بگیرد که خیلی‌ها متوجه به این نیستند، خیلی‌ها توجه

به این ندارند. حالا بعضی‌ها هم توجّه دارند و به نفع دشمن حرف می‌زنند -[مثلاً می‌گویند] «نه غزه، نه لبنان» - اما خیلی‌ها هم توجّه ندارند؛ واقعیت این است. این نگاه به این منطقه وسیع جغرافیایی که جزو وظایف و جزو مسئولیت‌های سپاه است، نگذارید در داخل سپاه تضعیف بشود» (بیانات در دیدار مجمع عالی فرماندهان سپاه، ۱۳۹۸/۰۷/۱۰).

البته باید به این مهم توجه داشت که همان‌طور که ذکر شد عمق راهبردی جمهوری اسلامی هیچ‌گاه محدود به مرز خاصی نبوده است، اما این تلنگر رهبر معظم انقلاب نشان از آن دارد که مرحله فتح، رقم خورده است و باید تمرکز را بر حفظ منطقه گذاشت و دوم آنکه افزایش عمق راهبردی در خارج از مرزهای منطقه‌ای را دنبال کرد. این مسئله منطبق بر تعریف کلیت عمق راهبردی، نه تنها نقاط قوت بسیاری برای جمهوری اسلامی ایجاد خواهد کرد، بلکه همین نقاط قوت به نقاط ضعف بسیار پیچیده‌ای برای دشمنان تبدیل خواهد شد. جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های اخیر سعی داشته است که با راهبرد فعال و اثر گذار، نقش مفیدی را در منطقه ایفا کند. امروز جمهوری اسلامی نه تنها در راستای ثبات داخلی و منطقه‌ای خود عمق راهبردیش را گسترش داده است، بلکه برای منافع بسیاری از زورگویان عالم نیز ایجاد مانع کرده و آنها را در زمان و مکان ثابتی محصور ساخته است. به عبارتی باید گفت این افزایش عمق راهبردی، منجر به عدم تکاپوی رژیم صهیونیستی و ترمزی بزرگ برای تحقق اهداف آن رژیم و آمریکای حامی اوست (به نقل از شبکه اطلاع رسانی دانا، ۱۳۹۸/۰۷/۱۶).

بی تردید، امروز جریان مقاومت معادله‌ای جدید را در منطقه رقم زده است؛ معادله‌ای که در آن حزب الله برای رژیم صهیونیستی خط و نشان می‌کشد و یمن، عربستان سعودی را با چالش مواجه کرده است. در عراق خروج آمریکا کلید خورده و سوریه نیز

دوران پسا داعش را پشت سر می‌گذشته و به عبارتی دنیا تماماً تمرکزش بر نوع عملکرد محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران است. امروز جریان مقاومت آینده خود را در خارج از مرزهای منطقه جستجو می‌کند و عمق راهبردی خود را افزایش می‌دهد.

سردار سلیمانی در دوران فرماندهی بر نیروی قدس، ماموریت‌های محول را به‌خوبی به انجام رساند. با این حال یک ماموریت اخیراً از سوی رهبر معظم انقلاب به سپاه پاسداران و به‌ویژه نیروی قدس آن واگذار شده بود که جنایت آمریکایی‌ها مانع از انجام آن شد. این ماموریت جدید را که مقدماتش نیز در دوران سردار قاسم سلیمانی آغاز شده بود، فرمانده معظم کل قوا در دهم مهرماه ۱۳۹۸ که هزاران نفر از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با ایشان دیدار کردند، تبیین فرمودند. در جریان این دیدار، رهبر معظم انقلاب توصیه‌هایی برای آینده سپاه به فرماندهان این نیرو کردند. یکی از توصیه‌های ایشان، «از دست ندادن نگاه وسیع و فرامرزی به جغرافیای مقاومت» بود. ایشان مسئولیت نگاه وسیع فرامرزی را که «عمق راهبردی» کشور و گاهی از «واجب‌ترین واجبات هم لازم‌تر» است با سپاه خواندند و در عین حال از اینکه برخی متوجه این مساله نیستند، ابراز گلایه کردند. باور بسیاری از فرماندهان حاضر در جلسه و همچنین تحلیلگران مسائل نظامی این بود که رهبر انقلاب خواهان حفظ و تثبیت جغرافیای مقاومت در غرب آسیا هستند، اما ایشان در تشریح منظورشان، از یک‌سو به «نگاه گسترده به جغرافیای مقاومت در منطقه» یعنی چیزی بیش از آنچه در حال حاضر وجود دارد، اشاره کردند و از سوی دیگر تاکید کردند: «نباید قناعت کنیم به منطقه خودمان و با انتخاب یک چهاردیواری، کاری به تهدیدهای پشت مرزها نداشته باشیم». کنار هم قرار دادن این دو بخش از سخنان مقام معظم رهبری نشان می‌دهد منظور ایشان، به منطقه‌ای وسیع‌تر از جغرافیای غرب آسیا، مربوط است (امامی، ۱۳۹۸: ۷۹):

«این نگاه وسیع جغرافیای مقاومت را از دست ندهید؛ این نگاه فرامرزی را از دست ندهید. قناعت نکنیم به منطقه خودمان: ما عَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِی عَقْرِ دَارِهِمْ اَلَا ذَلُّوا (خطبه ۲۶ نهج البلاغه)؛ این حدیث از معصوم (علیه السَّلام) است که آن کسانی که در خانه نشستند تا به آنها حمله بشود دچار ذلت شدند. این جوری نباشد که یک چهاردیواری را انتخاب کنیم و دیگر کارمان به این نباشد که پشت این دیوار چه کسی است، چه تهدیدی وجود دارد. این نگاه وسیع فرامرزی، این امتداد عمق راهبردی گاهی اوقات از واجب‌ترین واجبات کشور هم لازم‌تر است که مورد توجه قرار بگیرد که خیلی‌ها متوجه به این نیستند، خیلی‌ها توجه به این ندارند. حالا بعضی‌ها هم توجه دارند و به نفع دشمن حرف می‌زنند -مثلاً می‌گویند [«نه غزه، نه لبنان» - اما خیلی‌ها هم توجه ندارند؛ واقعیت این است. این نگاه به این منطقه وسیع جغرافیایی که جزو وظایف و جزو مسئولیت‌های سپاه است، نگذارید در داخل سپاه تضعیف بشود» (بیانات در دیدار مجمع عالی فرماندهان سپاه، ۱۳۹۸/۰۷/۱۰).

۴-۱- راهبردهای حل بحران در غرب آسیا

استراتژیستی چون قاسم سلیمانی توانست در بازسازی آرمان‌های انقلاب اسلامی بسیار موفق باشد. موفقیت‌های زیاد او در عرصه‌های نبرد - و قرار گرفتن او در وضعیت به اصطلاح ژنرال پیروز - باعث شد شهید سلیمانی از «فرمانده در سایه» به شخصیتی همچون ستاره یک برنامه زنده و پربیننده تلویزیونی تغییر وضعیت بدهد (شبکه بی بی سی^۱).

در این بخش سعی می‌شود ناظر بر ریشه‌یابی مسائل و بحران‌های پنجگانه مطرح در مقاله و همچنین مبتنی بر الگوی مطلوب ارائه شده مبتنی بر اندیشه و تجربه انقلاب اسلامی، الگوی حل بحران‌های غرب آسیا مبتنی بر اندیشه و تجربه شهید سلیمانی ارائه گردد.

در بررسی‌های انجام شده پیرامون استراتژی‌های سردار سلیمانی در حل منازعات منطقه آسیا، پنج استراتژی اساسی را مورد کنکاش و بررسی قرار می‌دهیم. باتوجه به ریشه‌های بحران و نیز بازسازی آرمانی، راهبردهای سردار سلیمانی از منظر اندیشکده‌های آمریکایی و انگلیسی استخراج شده است:

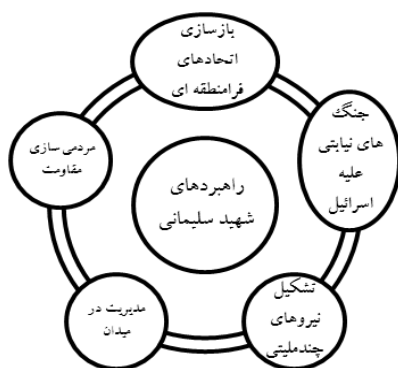
(الف) راهبرد بازسازی اتحادهای فرمانطقه‌ای

(ب) راهبرد جنگ‌های نیابتی علیه اسرائیل

(پ) راهبرد تشکیل نیروهای چندملیتی

(ت) راهبرد مدیریت در میدان

(ث) راهبرد مردمی سازی مقاومت



(الف) راهبرد بازسازی اتحادهای فرمانطقه‌ای

اندیشکده آمریکایی «مؤسسه واشینگتن برای سیاست خاور نزدیک، به سخنرانی «مایکل نایت» کارشناس نظامی و امنیتی در زمینه ایران، عراق و کشورهای حوزه خلیج فارس این‌گونه اشاره می‌کند: «ایران چهار دهه گذشته را وقف ایجاد اتحادهای بین‌المللی و تقویت متحدان نظامی خود و طیفی از شبه‌نظامیان تحت حمایت خود کرده است. من

عادت ندارم حکومت ایران را ستایش کنم، اما بگذارید این را بگویم: آن‌ها موقعیت فعلی‌شان را با حفظ تمرکز بر اهداف خود و چندین دهه سرمایه‌گذاری در این باره به دست آورده‌اند.» نشریه مرکز مبارزه با تروریسم می‌نویسد: «اواسط سال ۲۰۱۵ در سوریه، همه چیز دقیقاً آن‌گونه که سلیمانی می‌خواست پیش نمی‌رفت. نیروهای اسد مدام دست به خیانت [و فرار] می‌زدند و بنابراین شبه‌نظامیان عراقی، افغانستانی و پاکستانی تحت حمایت ایران در مبارزه با شورشیان سنی برای کنترل بزرگ‌ترین شهر سوریه، یعنی حلب، تقریباً تنها مانده بودند. این نیروها نیاز به حمایت یک قدرت خارجی بزرگ‌تر داشتند؛ قدرتی که ظرفیت قدرتمندی در جنگ هوایی داشته باشد. طبیعتاً واسطه این معامله هم کسی نبود جز ژنرال شماره یک در صحنه نبرد: قاسم سلیمانی. ماه جولای سال ۲۰۱۵، سلیمانی برای گفت‌وگو با وزیر دفاع روسیه و به گزارش برخی منابع، شخص پرزیدنت پوتین (ظاهراً سوار بر یک هواپیمای عمومی) به مسکو پرواز کرد. مداخله پوتین، ورق جنگ را به شکلی تعیین‌کننده به سود اسد برگرداند و ماه دسامبر سال ۲۰۱۶، چند روز پس از بازپس‌گیری حلب توسط نیروهای شبه‌نظامی سلیمانی و ارتش سوریه، تصاویری از او منتشر شد که نشان می‌داد دارد از بقایای قلب تاریخی شهر حلب دیدن می‌کند.

شهید سلیمانی بود که برای اقناع روسیه و از بین بردن تردیدهای این کشور برای ورود مستقیم به جنگ سوریه، مرداد ۱۳۹۴ ملاقاتی ۱۴۰ دقیقه‌ای با پوتین داشت تا روسیه را برای ورود به جنگ سوریه تشویق کند؛ با این قول و قرار که نیروی زمینی را ایران و حزب‌الله تقویت خواهند کرد و روسیه پشتیبانی هوایی را به عهده بگیرد. یک ماه بعد روسیه وارد جنگ سوریه شد و حکومت اسد را که حالتی از توتلو خوردن پیدا کرده بود، به سوی تثبیت راند.

ب) راهبرد جنگ‌های نیابتی علیه اسرائیل

در ادامه گزارش مایکل نایت آمده است: «ارائه سلاح، کمک مالی، پشتیبانی مستشاری، مساعدت لجستیکی به نیروهای نیابتی و شبکه‌ای، یکی از روش‌های مستقیمی است که ایران به کمک آن‌ها نفوذ خود را اعمال می‌کند. حضور سلاح‌های ایرانی در درگیری‌های مختلف (از سوریه گرفته تا عراق و یمن و فراتر از آن) علاوه بر نشان دادن ارتباط میان این کشور با طیفی از بازیگران منطقه‌ای، هم‌چنین می‌تواند به تهران امکان کنترل بر گروه‌هایی را بدهد که روابط خیلی ویژه‌ای هم با آن‌ها ندارد.» استفاده ایران از روش‌های فوق در کشورهای سراسر منطقه خاورمیانه، نهایتاً به گسترش شبکه‌های فراملی‌ای کمک می‌کند که تهران برای تسهیل انتقال آموزش، دانش و در برخی موارد، تجربه میدانی به گروه‌های نیابتی خود در کشورهای مختلف، به این شبکه‌ها تکیه دارد.

به ندرت اتفاق می‌افتد که منافع ایران کاملاً منطبق بر منافع نیروهای نیابتی‌اش باشد؛ اما این نیروهای نیابتی اغلب نه تنها به کمک نیاز دارند، بلکه مستأصل هستند و ایران تنها بازیگری است که یک پیشنهاد قابل‌اعتماد را به آن‌ها می‌دهد (اندیشکده آمریکایی «مؤسسه واشینگتن برای سیاست خاور نزدیک مایکل نایت»). از دیدگاه اندیشکده آمریکایی «مؤسسه واشینگتن برای سیاست خاور نزدیک»، نفوذ گسترده منطقه‌ای و استفاده از نیروهای نیابتی، دو اهرم مهم اعمال قدرت ایران در مقابل آمریکا را تشکیل می‌دهند که منافع استراتژیک کاخ سفید در غرب آسیا (خاورمیانه) از جمله در عراق و سوریه و یمن را تهدید می‌کنند. رادیو فردا معتقد است: سپاه قدس نیرویی بود که در سال‌های جنگ ایران و عراق تشکیل شد تا به نیروهای عراقی در داخل خاک عراق ضربه بزند. به نظر می‌رسد در سال‌های پیش از شروع جنگ، ایده جریانی همانند سپاه قدس با الگوگیری از جریاناتی چون نهضت آزادی‌بخش فلسطین در اندیشه و ذهنیت سران سپاه و جمهوری اسلامی بروز و ظهور

داشت، اما شروع جنگ عملاً این فرصت را از ایران گرفت، اگر چه اندیشه صدور انقلاب با شعارهایی چون راه قدس از کربلا می‌گذرد، در فضای آن سال‌های جنگ طنین‌انداز بود. پس از جنگ اما این فرصت فراهم شد و به همین دلیل اندیشه صدور انقلاب را در دستور کار قرار داد.

بی‌بی‌سی مدعی می‌شود: «سلیمانی اکنون نگاهش را متمرکز به هدف نهایی کرده است: متحد آمریکا، شیطان کوچک، اسرائیل.» دانی یاتوم، رئیس سابق سرویس امنیت موساد، در این باره می‌گوید: «او شروع به ساختن کریدوری کرد که تهران را از طریق عراق به سواحل سوریه در دریای مدیترانه متصل کند. به این ترتیب می‌توانید سیستم‌های تسلیحاتی بسیار بیشتری را نسبت به استفاده از هواپیماهای باربری جابه‌جا کنید. به علاوه، این کار به آن‌ها کمک می‌کند تا اسرائیل را محاصره کنند.» راوی مستند یادآور می‌شود: «قدس، نام عربی اورشلیم است. قاسم سلیمانی فرمانده «نیروی قدس» یا «نیروی اورشلیم» است. هدف آن‌ها چیست؟ آزادسازی شهر مقدس [بیت‌المقدس] و شکست دادن اسرائیل.» یاتوم ادامه می‌دهد: «مقامات ایرانی بارها خواستار محو اسرائیل از نقشه شده‌اند. مطمئناً ما این اجازه را نخواهیم داد.» بی‌بی‌سی با تکرار ادعاهای کشورهای غربی می‌گوید: «اسرائیل در شمال و جنوب با نیروهای نیابتی قاسم سلیمانی روبه‌روست. او به شبه نظامیان فلسطینی سلاح داده و از آن‌ها در مبارزه طولانی‌شان با اشغالگری اسرائیل در کرانه باختری و غزه حمایت کرده است. اسرائیلی‌ها می‌گویند در لبنان هم فناوری‌های ایران [مانند سیل] به سوی متحدش یعنی حزب‌الله جاری شده است.

نشریه مرکز مبارزه با تروریسم می‌نویسد: «سال ۲۰۰۶، در اوج خون‌ریزی‌ها در عراق، سلیمانی موقتاً مدیریت «عصائب اهل‌الحق» [از گروه‌های متحد با ایران در عراق] و

گروه‌های وابسته به آن را کنار گذاشت تا نظارت بر یکی دیگر از گروه‌های نیابتی ایران، یعنی حزب‌الله، طی جنگ شدید این گروه با اسرائیل را به عهده بگیرد. طی مدت غیبت او در عراق، فرماندهان آمریکا در «منطقه سبز» [محل استقرار نیروهای ائتلاف آمریکایی در بغداد]، متوجه کاهش چشم‌گیر تلفات خود در سراسر عراق شدند. سلیمانی پس از بازگشت از لبنان، به فرماندهان آمریکایی نوشت: «امیدوارم از صلح و آرامش در بغداد لذت برده باشید. من در بیروت، مشغول بودم.»

از دیگر تاکتیک‌های سردار سلیمانی برای راهبرد نظامی در جنگ علیه داعش، توسعه توان نظامی نامتقارن است. بر اساس گزارش مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک، ایران توانسته است با «توسعه توان نظامی نامتقارن» تاکتیک‌های تهاجمی دسته‌ای، استفاده از پهپادها و حملات سایبری، دوئل ژئوپلیتیک منطقه را برای افزایش نفوذ در خاورمیانه به سود خود رقم بزند. بخش اصلی این وظیفه نیز برعهده نیروهای سپاه قدس بوده است و این شاخه نظامی عملکرد موثری در گسترش حوزه عملیاتی ایران در منطقه داشته است. دفاع رو به جلو^۱ با اقدامات پیشگیرانه^۲ از دیگر اقدامات قاسم سلیمانی برای پیشبرد همین راهبرد بوده است. اسرائیلی‌ها در جنگ‌های متعدد در کمتر از دو هفته به نتایج و اهداف خود رسیده بودند، اما در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ به دلیل اقدامات دفاعی پیشگیرانه جبهه مقاومت که رهبری آن با حاج قاسم بود، نتوانستند غلبه کنند. در خصوص داعش سردار سلیمانی جنگ ترکیبی (نامتقارن) را طراحی نمود؛ در حالی که برخی کارشناسان بین‌المللی، توانایی انجام «جنگ ترکیبی» را صرفاً منحصر به آمریکا می‌دانند و معتقدند هیچ کشور دیگری در دنیا ابزار نظامی، دیپلماتیک و رسانه‌ای لازم برای به راه

¹ Defense Forward

² Preemptive

انداختن جنگ ترکیبی را ندارد. «داو زخیم» معاون وزیر دفاع دولت جورج بوش پسر و عضو کنونی هیأت‌مدیره شورای آتلانتیک، اعتراف می‌کند که ایران بیش از آمریکا در به‌کارگیری جنگ ترکیبی موفق بوده است. وی معتقد است: «بیش از همه این‌ها، ایران بوده که بر جنگ ترکیبی تکیه کرده است. در حقیقت عراق نیست اگر بگوییم که ایرانی‌ها با انجام عملیات‌های نامتقارن و بسیار موفقیت‌آمیز در سرتاسر منطقه از ابتدای تشکیل جمهوری اسلامی در سال ۱۹۷۹، عملاً جنگ ترکیبی را به کمال رسانده‌اند.» دکترین جنگ نامتقارن ایران و استفاده تهران از روش‌های نامتعارف تقابل نظامی، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های پیش روی آمریکاست، تا جایی که تحلیلگران آمریکایی معتقدند واشینگتن با استفاده از قدرت گسترده نظامی توانسته به ظرفیت بازدارندگی مقابل کشورهایی مانند روسیه و چین دست پیدا کند، اما ایران از این قاعده مستثناست.

پ) راهبرد تشکیل نیروهای چندملیتی

از ویژگی‌های راهبردی سردار سلیمانی رویکرد نوع دوستی و نگاه فراملیتی ایشان بود. «روحیه فداکاری و نوع دوستی داشت، یعنی برایش این ملت و آن ملت و مانند اینها مطرح نبود؛ نوع دوست بود، واقعاً حالت فداکاری برای همه داشت» (مقام معظم رهبری ۹۹/۹/۲۶). لذا ایشان نه تنها در ارتباط گیری با دیگر ملیتی‌ها موفقیت‌های جدی به دست آورد، بلکه فراتر از آن موفق به تشکیل نیروهای چند ملیتی نیز شد. اندیشکده شورای آتلانتیک معتقد است: «در حال حاضر، ایران نسبت به رقبای دیگرش در منطقه قد بلندتری دارد. امروز، نفوذ عمیق ایران در عراق، لبنان و سوریه بی‌رقیب است. متحدان ایران در خط مقدم عرصه‌های سیاسی و امنیتی، عراق و لبنان هستند. مداخله ایران در سوریه موجب جلوگیری از سقوط حکومت بشار اسد شده است. شبکه پیچیده سیاسی-مذهبی ایران در بحرین نفوذ مشهودی دارد. فراتر از جهان عرب، منافع و حضور جمهوری اسلامی تا

افغانستان و بخش‌هایی از آفریقا و آمریکای لاتین کشیده شده است.» کارشناسان آمریکایی شورای آتلانتیک اعتراف می‌کنند: «ایران در محیط استراتژیک پرتلاطم و متغیر غرب آسیا عملکرد موفقی داشته است. این کشور امروز با تهدیدی جدی مبنی بر حمله یا تهاجم (و به طریق اولی، اشغال) توسط یک قدرت خارجی مواجه نیست. پس از آغاز جنگ داخلی در سوریه در سال ۲۰۱۱، سلیمانی به بخشی از شبه نظامیان عراقی خود دستور داد تا برای دفاع از حکومت اسد راهی سوریه شوند. به همین منظور، وی همچنین گروه‌های شبه نظامی شیعه جدیدی را نیز تأسیس کرد؛ از جمله این گروه‌ها، لشکر فاطمیون (متشکل از افغانستانی‌های ساکن ایران) و تیپ «زینیون» (متشکل از پاکستانی‌ها) بودند.

ت) راهبرد مدیریت در میدان

شهید سلیمانی را به واسطه اخلاص و شجاعت ویژه‌ای که داشت، نباید صرفاً به مثابه یک فرد دید؛ بلکه او یک مکتب و مدرسه انسان‌ساز بود و هست «سردار شهید عزیز را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس‌آموز نگاه کنیم» (مقام معظم رهبری ۹۸/۱۰/۲۷). بر همین اساس شاهدیم که راهبردی را در نیروی قدس نهادینه کرده بود که فرماندهان نه تنها در میدان حضور داشتند که در خط مقدم همنشین رزمندگانی از کشورهای مختلف بودند؛ «آن مردی که می‌رود جلوی دشمن و واهمه نمی‌کند و در همه میدان‌ها نه خستگی می‌فهمد، نه سرما می‌فهمد، نه گرما می‌فهمد، این اگر چنانچه در درون خودش در آن جهاد اکبر پیروز نشده بود، این جور نمی‌توانست جلوی دشمن برود» (مقام معظم رهبری، ۹۸/۱۰/۱۳) و این اخلاص و شجاعت در میانه میدان تأثیر مستقیم تربیتی در صدور روحیه و منش انقلابی در میان رزمندگان کشورهای مختلف داشت.

مگوایر اذعان می‌کند: «آن آدم رده پایینی که ۲۵ سالش است و بدون جلیقه

ضدگلوله دارد در یک گروه شبه نظامی می‌جنگد، چگونه ممکن است [انگیزه نگیرد] و عملکرد خوبی نداشته باشد. وقتی می‌بیند رئیسش که هم‌سن پدربزرگش است با یک پیراهن دارد در میدان جنگ و در میان شلیک گلوله‌ها قدم می‌زند. این کار یک پیام الهام‌بخش برای آن سرباز است که ترس در وجود این آدم وجود ندارد و ما هم باید همین‌گونه باشیم. من واقعاً اعتقاد دارم که افرادی مانند سلیمانی احساس می‌کنند دارند تقدیرشان را رقم می‌زنند و اگر هم کشته شدند، خب کشته شده‌اند. دیدگاه بسیار متفاوتی [نسبت به مثلاً ما آمریکایی‌ها] در این باره دارند و معتقدند که در حال انجام یک مأموریت [الهی] هستند». نشریه مرکز مبارزه با تروریسم در چکیده گزارش صوفان این‌گونه می‌نویسد: «یکی از کلیدهای موفقیت ایران، اتخاذ یک استراتژی منحصربه‌فرد مبنی بر تلفیق قدرت شبه نظامی و قدرت دولتی بوده است». همه اذعان دارند که معمار برجسته این سیاست، سرلشکر قاسم سلیمانی، فرمانده کهنه‌کار نیروی قدس [سپاه پاسداران] ایران است. بدون شک سلیمانی، امروز، قدرتمندترین ژنرال خاورمیانه است. این کشور توانسته با ترکیبی از سیاست‌های مختلف، از جمله، مانور ماهرانه دیپلماتیک، ایجاد اتحاد تاکتیکی با ولادیمیر پوتین و روسیه و ارائه سلاح، مشاوره و پول به شبه نظامیان شیعه در کشورهای متعدد، به این موفقیت‌ها دست پیدا کند. تهران در این مورد اخیر [حمایت از متحدان منطقه‌ای]، در اتخاذ استراتژی ظاهراً منحصر به فردی پیشگام شده است که قدرت نیروهای شورشی را با قدرت نیروهای دولتی ترکیب و یک مخلوط قدرتمند و مؤثر را ایجاد می‌کند. اتخاذ این استراتژی امروز در لبنان، سوریه، عراق و یمن مشهود است.

ث) راهبرد مردمی سازی مقاومت

شهید سلیمانی در مردمی سازی مقاومت نقش مؤثری داشت. «شهید سلیمانی نرم‌افزار مقاومت و الگوی مبارزه را به ملت‌ها تعلیم کرد» (مقام معظم رهبری، ۹۹/۹/۲۶). به واسطه

ارتباط و تأثیرگذاری که بر جریان‌های مردمی منطقه داشت، توانست این گفتمان را اجتماعی نماید. به عنوان مثال خدمات موثر و سازنده ایشان به ملت‌های منطقه یکی از مهم‌ترین روش‌های ایشان در مردمی‌سازی مقاومت به‌شمار می‌رود. همین راهبرد عامل بسیاری از شکست‌های امریکا و حل منازعات منطقه‌ای بود. «به کمک ملت‌های منطقه یا با کمک‌هایی که به ملت‌های منطقه کرد، توانست همه نقشه‌های نامشروع آمریکا در منطقه غرب آسیا را خنثی کند.» (مقام معظم رهبری، ۹۸/۱۰/۱۸) شورای آتلانتیک در توضیح اولین اهرمی که برای نفوذ منطقه‌ای ایران قائل است، می‌نویسد: «ایجاد نیروهای نیابتی قوی» را شاید بتوان اصلی‌ترین اهرمی دانست که ایران به کمک آن، رقبای خود را به چالش می‌کشد و در عین حال وارد درگیری رسمی نظامی با آن‌ها نمی‌شود. این اندیشکده آمریکایی البته گروه‌های متحد با ایران را به دو دسته «نیابتی» و «تحت کنترل» تقسیم می‌کند. نویسندگان گزارش تصریح می‌کنند: «ارزیابی این‌که کدام گروه‌ها نیروهای «نیابتی» هستند و کدام گروه‌ها توسط ایران «کنترل» می‌شوند، اغلب مطابق این معیار صورت می‌گیرد که کدام گروه‌ها «ولایت فقیه» را پذیرفته‌اند. پیروی از ولایت فقیه نشانه‌ای واضح از ارتباط عمیق با تهران است. گروه‌هایی مانند حزب‌الله لبنان، سازمان بدر، کتائب حزب‌الله، عصاب اهل‌الحق، و حرکه حزب‌الله النجباء در عراق، آشکارا از این عقیده تبعیت می‌کنند و تحت کنترل تهران قرار دارند.» ایران ورای ولایت فقیه، برای جلب حمایت وابستگان خود در کشورهای همسایه بر ایدئولوژی و نمادگرایی نیز تأکید می‌کند. به عنوان مثال، تهران از ایدئولوژی «مقاومت مقابل اهداف سیاستی آمریکا» استفاده می‌کند و از این طریق حتی گروه‌هایی را که به ولایت فقیه اعتقادی ندارند، با خود همراه می‌کند. یکی دیگر از انگیزه‌های ارتباط میان ایران و گروه‌های نیابتی‌اش می‌تواند جلوه‌های نمادین، مانند احترامی باشد که این گروه‌ها برای آیت‌الله خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای، یا سید حسن نصرالله

قائل هستند.» آنچه که امروز از آن با عنوان جنگ نیابتی یاد می‌شود، تربیت نیروهای بومی در عراق، یمن، لبنان و سوریه است که آن را باید محصول نگاه ویژه سپاه قدس دانست. نگاهی که حتی طراحی و ساماندهی راهپیمایی میلیونی مراسم اربعین را نیز باید حاصل فعالیت‌های آنها به شمار آورد (ایندیپندنت).

۵-۱- بحث و نتیجه‌گیری

«عمق راهبردی» از مفاهیم اساسی و کلیدی برای تحلیل حوادث دنیای معاصر است که می‌تواند علاوه بر نمایان ساختن میزان نفوذ یک کشور در منطقه، پشتوانه خوبی برای اعمال سیاست‌های مد نظر آن کشور باشد. عمق راهبردی در تأمین امنیت ملی نقش به سزایی دارد. کشوری که در نقاط مختلف دارای عمق راهبردی است، به تهدید کمتری مبتلا و در نتیجه برای تأمین امنیت ملی، هزینه کمتری متحمل می‌شود. هنگامی که گروه تکفیری ساخته استکبار جهانی به نام داعش در سال ۲۰۱۱ میلادی، پیشروی‌های خود را در مناطق عراق و سوریه آغاز کرد، فرمانده سپاه قدس سردار سلیمانی با حضور خود در این مناطق و با تشکیل جبهه مقاومت، هیمنه استکبار و گروه‌های تکفیری را شکست. آمریکا اراده کرد با کمک داعش در سوریه و عراق، نقشه اسلام را بر هم بزند و شهید سلیمانی اراده کرد تا اراده دشمن محقق نشود. دشمن تصور می‌کرد کشورهای اسلامی و مردم مسلمان کشورهای ضعیف، منفعل و سرکوب شده هستند که با کمک شهید سلیمانی این تصور شکست خورد. سردار شهید حاج قاسم سلیمانی با تشکیل محور مقاومت با نیروهایی مانند جنبش النجباء و کتائب حزب‌الله و همچنین حشدالشعبی در عراق و گروه‌هایی نظیر بسیج مردمی سوریه و اتحاد آنها با مدافعان حرم از ایران و تیپ فاطمیون و زینبیون در مقابل داعش ایستادگی کرد و در نهایت با رشادت‌های فراوان در حالی که به گفته بسیاری از فرماندهان نظامی، داعش تا پشت دروازه‌های کاخ ریاست جمهوری سوریه رسیده بودند و

هیچ کس فکر نمی‌کرد که دیگر امیدی به شکست داعش باشد، سردار سلیمانی به همراه مدافعان حرم ایستاد و مانع از گسترش و ظهور بیشتر داعش در منطقه غرب آسیا شد. در واقع، سردار سلیمانی از همه تجارب دفاعی-امنیتی خود بهره برد و در منطقه‌ای که از یک سو جنگ‌های نیابتی آن را احاطه کرده بود و از طرف دیگر مردم مظلوم تحت فشار و قتل عام استکبار جهانی قرار گرفته بودند، حاضر شد و سه نقش اساسی را ایفا کرد: اولاً از نیروهای متفرق اسلامی، جبهه مقاومت ساخت (انسجام محور مقاومت) و با جمع کردن سرمایه‌های کوچک، قدرت و سرمایه بزرگی ساخت که امروز می‌تواند مسیر قدرت اسلام را تضمین کند و نقشه‌های دشمنان را خنثی نماید. ثانیاً با عمق بخشیدن به جبهه مقاومت، جریان عمیق فکری و عقیدتی در بین فرماندهان مقاومت و رزمندگان این جبهه ایجاد کرد. ثالثاً با گسترش سطح جبهه مقاومت، رزمندگان و چهره‌های مجاهد، مقاوم، بصیر، انقلابی و شجاع با تفکر بیسجی و فرهنگ مبارزه با استکبار جهانی تربیت کرد. در نهایت ناظر بر ریشه‌های پنجگانه بحران در غرب آسیا و مبتنی بر الگوی پنج مولفه‌ای مطلوب اندیشه و تجربه انقلاب اسلامی، راهبرد های منحصر به فرد شهید سلیمانی در حل هر یک از ریشه‌های بحران غرب آسیا ارائه گردید. این راهبردها عبارتند از: «بازسازی اتحادهای فرامنطقه‌ای»، «جنگ‌های نیابتی علیه اسرائیل»، «تشکیل نیروهای چند ملیتی»، «مدیریت در میدان» و «مردمی سازی مقاومت». بنابراین پیشنهادات مقاله به شرح زیر می باشد:

- ۱- تداوم خط مشی یا رویکردهای نظامی و سیاسی شهید سلیمانی در جبهه مقاومت
- ۲- تقویت و هدایت جنبش‌های مردمی شکل گرفته در جبهه مقاومت توسط شهید سلیمانی.
- ۳- تلفیق دو ویژگی بارز شهید سلیمانی (شجاعت و تدبیر) و الگوسازی آن در میان فرماندهان جبهه مقاومت.
- ۴- زمینه سازی برای تبدیل شدن شخصیت شهید سلیمانی به یک مکتب جهانی بنا به فرمایش مقام معظم رهبری «مد ظله العالی».

منابع

قرآن کریم

- دشتی، محمد (۱۳۷۹). *نهج‌البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، تهران، زهد.
- آقابخشی، علی‌اکبر، افشاری‌راد، مینو (۱۳۸۳). *فرهنگ علوم سیاسی*، نشر چاپار.
- امامی، صادق (۱۳۹۸). *توسعه عمق راهبردی ایران تا آفریقا*، به نقل از خبرگزاری تسنیم، ۱۸ دی ۱۳۹۸.
- بابایی، محمدباقر (۱۳۸۶). «سیاست دفاعی امیرالمومنین علی علیه‌السلام»؛ *فصلنامه سیاست دفاعی*؛ سال پانزدهم، شماره ۵۸، بهار، صص ۱۱۵-۸۳.
- جعفری، سید اصغر (۱۳۹۸). *راهبردهای تحقق امنیت پایدار از طریق دیپلماسی دفاعی* مبتنی بر دیدگاه امام خامنه‌ای «مدظله‌العالی»، *فصلنامه مطالعات دفاعی/استراتژیک*، سال ۱۷، شماره ۷۸، زمستان، صص ۸۸-۶۳.
- جعفری، سید اصغر (۱۳۹۸). *حمله نظامی عربستان به یمن از نگاه حقوق بین‌المللی بشر* دوستانه، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۹، شماره ۲، تابستان، صص ۵۹۱-۶۱۱.
- حقیقت‌خواه، مهدی (۱۳۹۲). *عمق راهبردی ایران: بغداد تا کاراکاس*، سایت پرسمان به تاریخ ۱۵/۰۵/۱۳۹۲.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی «س»* (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها).
- داود اوغلو، احمد (۱۳۹۵). *عمق راهبردی، موقعیت ترکیه در صحنه بین‌المللی*، ترجمه محمد حسین نوحی نژاد ممقانی، تهران: امیرکبیر.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *لغت‌نامه*، ج ۱۱، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران

دهقان، حسین (۱۳۹۳). «تهدیدات نوظهور و الزامات دفاع هوشمند از منظر فرماندهی معظم کل قوا»؛ مجموعه مقالات دومین همایش تبیین اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله العالی)؛ جلد دوم، صص ۲۲-۵.

رستمی نسب، عباسعلی (۱۳۸۹). مبانی نظری دفاع مقدس در قرآن، نشریه ادبیات پایدار، سال اول، شماره دوم، صص ۹۳-۱۱۴.

رفعتی پور، سیدروح الله (۱۳۹۵). بررسی چرایی حمایت جمهوری اسلامی از گروه‌های مقاومت، به نقل از پایگاه اطلاع رسانی اصفهان شرق به تاریخ ۱۳۹۵/۰۵/۰۸.

شبکه اطلاع رسانی دانا، (۱۳۹۸). نفوذ استراتژیک جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۸/۰۷/۱۶ طباطبایی، سیدمحمدحسین (بی تا). تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی.

غفاری، مصطفی (۱۳۹۳). تکیه بر عمق راهبردی در برابر ائتلاف با ابرقدرت‌ها، به نقل از خبرگزاری مهر ۱۴ مهر ۱۳۹۳.

قهرمانی‌نژاد شایق، بهاءالدین؛ اسفندیاری، شهرام و بلباسی، میثم (۱۳۹۴). بررسی مولفه‌های فرهنگ دفاعی در چارچوب فرهنگ راهبردی ج.ا.ایران (با رویکردی بر دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای)؛ فصلنامه پژوهش‌های معاصر/انقلاب اسلامی؛ دوره اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴، صص ۲۷۰-۲۴۴.

محمدی، حمید (۱۳۷۷). ریشه های بحران در خاورمیانه، تهران: انتشارات کیهان.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). آشنایی با قرآن، ج ۴، قم: انتشارات صدرا.

نادری، احمد (۱۳۹۳). بحران در خاورمیانه و خیزش‌های ضد سیستم؛ از دموکراسی خواهی تا اسلام سیاسی به نقل از vista.ir

واعظی، رضا (۱۳۸۷). عمق استراتژیک «ملت محور»، قابل دسترسی در پایگاه اطلاع رسانی

دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۰۷.
وفایی، حامد (۱۳۹۷). عمق استراتژیک تعاملی - فرهنگی ایران در چین، همایش جامعه علمی ایرانیان مقیم چین، بررسی فرایندها و دستاوردهای توسعه در چین، پکن، تاریخ ۴ آذر ۱۳۹۷.

Explaining the Role of General Soleimani in Defense of Strategic Depth and De-Crisis in West Asia

Daryoush .Rashidzadeh (PhD) & Amir Hossein. Akbari (MA)

Abstract

One of the main priorities of the Islamic Republic since the beginning of the Islamic Revolution has been to increase its strategic depth. Strategic depth refers to the extent of a country's influence in its regional and extra-regional geographic environment; in such a way that it can increase its security and strength. The West Asian region has always been the site of various conflicts and wars. On the one hand, there are numerous security crises due to the importance of the region's "geopolitics" and "geoeconomics" due to its wealth and natural resources, and on the other hand, "geoculture" as the cradle of Abrahamic religions and the existence of holy lands, has given complex dimensions to the region. And it has attracted the attention of big trans-regional powers to this region. Thus, the problem is that the presence of foreign forces in the region, the divisiveness of enemies and the existence of weak management in controlling crisis have complicated the situation in such a way that the created crises cannot be solved easily; Therefore, the discovery of effective strategies for solving regional conflicts has been of interest, because these strategies are important in the analysis and planning of future conflicts. Martyr Soleimani created a resistance front with forces from Lebanon's Hezbollah and Iraq's Hashd al-Sha'abi, the Syrian People's Basij and their alliance with the defenders of the shrine from Iran and the Fatemiyoun and Zainbiyoun brigades in confrontation with the arrogant offensive actions that use their infantry, the Takfiri forces of ISIS who created insecurity in the West Asia region. However, the resistance forces resisted, stood up, and prevented the further spread and emergence of ISIS in the West Asia region and promoted the strategic depth of the Islamic Revolution.

Key words: Shahid Soleimani, strategic depth, Islamic revolution, crisis, West Asia